



۲۰۲۱/۲۴/۱۰

داکتر عبدالرحمن زمانی

"نکات چند پیرامون اعلامیه" کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان و رساله "تردید شایعات باطله شاه مخلوع"

اعلامیه غازی امان الله خان تحت عنوان «کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان» (منتشره در جراید اردوی هند) ترجمه محمد ابراهیم صفا، که بار اول بعد از کودتای ثور خلقی-پرچی ها در شماره های 14484 - 14491 مورخ 20 تا 28 جوزای 1357 روزنامه انیس بنشر رسیده بود، بعد از باز تایپ و نشر دوباره آن در "راه پرچم"، دو روز بعد (به تاریخ 30 ماه سپتمبر) به نوعی به سایت وزین افغان جرمن آنلاين نیز راه یافت، و به حیث یک سند مهم تاریخی مورد علاقه هموطنان ما قرار گرفته، سبب شد تا دانشمندان گرامی آقایان داکتر سید عبدالله کاظم، محترم کانديد اکادميسين سيستاني و برادر گرامی جناب احسان لمر نیز در رابطه تشریحات و مضامینی را بنشر بسپارند.

از آنجایی که عده از خوانندگان محترم در مورد مرجع اصلی این اعلامیه و نشر آن در جراید اردوی هند بریتانوی و یا اینکه ترجمه دوباره آن با دقت صورت گرفته باشد یا نه، شک و تردید نشان داده و معلومات بیشتر خواسته اند، امیدوارم نکات آتی درین رابطه تا اندازه روشنی انداخته بتواند.

منبع اصلی اعلامیه منتشره در هند

منبع اصلی اعلامیه غازی امان الله خان که تحت عنوان «کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان» توسط شادروان محمد ابراهیم صفا از نشرات اردو زبان هند بریتانوی دوباره به دری ترجمه شده است، توسط خود مترجم، جراید لسان اردوی هند بریتانوی ذکر شده است.

البته نشر مطالب مربوط به افغانستان در جراید اردو زبان هند تحت سلطه انگلیس ها سابقه طولانی داشته است. روزنامه های زمیندار (از لاهور)، اخبار پیسه (از لاهور)، همدم (از دهلی)، سیاست (از لاهور)، روزنامه عوام (از لاهور)، و جراید صداقت (از لاهور)، وکیل (از امرتسر)، مسلمان (از کلکته)، دستور (از شیرکلات رو حیلخند)، مدینه (از بیجنور)، اقبال (از مراد آباد)، رهنما (از مراد آباد)، تحفه هند (از بیجنور)، نشریه دو هفتگی اهل سنت و جماعت (از امرتسر)، و رساله آفتاب (از راجپوتانه) از جمله جراید اردو زبانی بودند که حتی با جریده سراج الاخبار و

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

نشرات دوره‌ی امانی مانند امان افغان، اتحاد مشرقی و معارف در افغانستان همکاری نزدیک داشتند. (از دوستان و دانشمندان گرامی و محترم‌م آقايان فضل الرحمن فاضل و پروفیسور خالق رشید خواهشمندم که اگر در ترجمه‌ی دري محل نشر بعضی از این نشرات اشتباهی صورت گرفته باشد، آنرا اصلاح کنند).

یکی از علل مهم این همکاری، حمایت از پان اسلامیزم و جنبش خلافت مسلمانان هند بود که «از آغاز جنگ جهانی اول علایق مشترک مسلمانهای هندوستان، ملی‌گرایان افغانستان، و پان اسلامیت‌های ترک را به مقابل انگلیسها متحد ساخته بود. آگاهی مربوط به اخوت و وحدت اسلامی از طریق مقالات هیجان‌آور سراج الاخبار در اثنای جنگ گسترش مییافت، و نشرات دیگری از قبیل "الهلال" و بعد از آن "البلاغ" که در کلکته توسط ابولکلام آزاد منتشر میشد، "زمیندار" که شدیداً علیه انگلیس بود و در لاهور توسط ظفرعلی خان منتشر میشد، "کامرید" بزبان انگلیسی و "همدرد" به زبان اردو که در دهلی توسط محمد علی بنشر میرسید، و خاصتاً روزنامه فارسی زبان "جبل‌المتین" که در کلکته هندوستان نشر میشد، در گسترش احساسات اسلام‌گرایی عمومی (پان اسلامیزم) در افغانستان نیز کمک نمودند». (نوید، سنزل/ترجمه مجددی، نعیم-واکنش‌های مذهبی و تحولات اجتماعی (۱۳۸۸)، ص ۷۷).

علاوه بر جراید ضد استعمار انگلیسی زمیندار، کامرید، الهلال، همدرد، ترجمان و غیره که از نشرات سراج الاخبار استفاده میکردند، جریده‌ی المجاهد از چمرکنده نیز مقالات و مطالب جریده‌ی "امان افغان" افغانستان را نقل نموده و از سیاست انگلیس‌ها در کشورهای شرقی انتقاد مینمود. درین نشریه مسلمانان هند به سهمگیری در مبارزات مسلحانه‌ی ضد انگلیسی دعوت میشدند. مقامات انگلیسی از نشر مقالات علمی و معلومات تازه درین جریده حیران بوده میخواستند بدانند که جریده‌ی المجاهد این همه معلومات دارای اهمیت بین‌المللی را از کجا بدست می‌آورد. (زمانی، عبدالرحمن - بازنگری دوره امانی و توطئه‌های انگلیس (۲۰۱۰)، صفحات ۷۴-۷۵).

روز نامه زمیندار لاهور خار چشم استعمار انگلیس

روز نامه زمیندار لاهور که شدیداً از سیاست انگلیس‌ها در افغانستان انتقاد مینمود، با نشرات بیشتر در مورد افغانستان خار چشم استعمار انگلیس تلقی شده و تحت مراقبت استخبارات هند بریتانوی قرار داشت. از راپورهای متعدد آرشیف هند بریتانوی مانند تلگرام شماره ۷۴۹-پ مؤرخ ۲۳ دسمبر سال ۱۹۲۹، مکتوب شماره ۳۱۰-پ اول فبروری ۱۹۳۰، و مکتوب عاجل شماره ۴۹۲-پ مؤرخ ۱۴ فبروری ۱۹۳۰ هویدا است که انگلیس‌ها گمان میبردند این نشرات زمیندار توسط عبدالحکیم خان، وکیل التجار افغانستان در پشاور، که حکومت محمد نادرشاه را برسمیت

د پانو شمیره: له 2 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

نمیشناخت، حمایت میشود. (اسناد آرشیف هند بریتانوی، خلاصه رویداد های افغانستان از اول جولای ۱۹۳۰ تا ۳۰ جون ۱۹۳۱ و L/PS/10/1301).

قابل یادآور است که میرزا عبدالحکیم خان از مأمورین سابقه دار افغانستان بود که در عهد امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان مأموریت داشته و در دوران امان الله خان نخست بحیث رئیس اتحادیه تاجران در کابل و در سال ۱۹۲۲ بحیث وکیل التجار افغانی در پشاور مقرر شد. میرزا عبدالحکیم خان در دوران اغتشاش شینوار یکی از حامیان فعال امان الله خان بود. او حکومت های حبیب الله کلکانی و نادرشاه را به رسمیت نشناخت و با وجود فشار های وارده از طرف مقامات انگلیسی از تسلیم نمودن امور و کالت التجاری به نمایندگان فرستاده شده آنها ابا ورزید. انگلیس ها در عهد نادرشاه میرزا عبدالحکیم خان را نخست در ماه فبروری ۱۹۳۰ در پشاور دستگیر کردند و بعد ها وی را به اتهام کمک در نشر مقالات ضد رژیم نادری در جریده زمیندار یکجا با مخالفین



دیگر نادرشاه مثل امین جان به برما تبعید کردند. متأسفانه محققین و مؤرخین افغان تا حال درباره این مبارز ضد استعمار انگلیس یا چیزی ننوشته و یا من از آن اطلاعی ندارم.

مدیر مسؤل روزنامه زمیندار، مولانا ظفرعلی خان نویسنده، شاعر، ژورنالیست و مبارز ضد انگلیس بود، که بعد از فوت پدرش مولوی

سراج الدین مدیریت این روزنامه معروف را به عهده گرفت. روزنامه "زمیندار" نه تنها شوق و علاقه روزنامه خوانی را در میان مردم زیاد و وسیعتر کرده بود بلکه به آنها شعور سیاسی بخشیده بود. "زمیندار" اولین روزنامه مسلمانان بود که در سال ۱۹۱۳ میلادی به شکل یک اداره و ارگان منظم با استخدام نویسنده، خبرنگار و گزارشگر کار را آغاز نمود. در بخشی از این روزنامه، ستونی با عنوان "افکار و حوادث" که حالت طنز گونه داشت به بیان موضوعات سیاسی روز با طنز و هجو می پرداخت. این روزنامه در میان مردم مسلمان از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار گردید و مسلمانان هند و حتی دیگر مردم با شوق و آفری این روزنامه را می خریدند و همگی گرد هم می آمدند و فرد با سوادی آن را برای جمع می خواند. صاحبان حساس با خواندن نظم های روح بخش این روزنامه شدیداً تحت تأثیر قرار می گرفتند و شعرهای سیاسی این روزنامه در میان مردم ورد زبان گردیده بود. مولانا ظفرعلی خان با مسافرت ها، سخنرانیها و از همه مهمتر، با مقالات

د پانو شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

خود در روزنامه زميندار، خدمات شاياني را براي جنبش آزادي كرد. او همواره مي گفت: "اگر نيميدانيد كه قلم چگونه چون شمشير كار مي كند، نزد من بيائيد و اين هنر را از من بياموزيد."

همين روزنامه معروف زميندار بود كه مطلب كوتاهي را در رابطه با موجوديت و نقش جاسوس معروف انگليس، كرنيل لارنس معروف به لارنس عربي، در سرحدات افغانستان و هند بریتانوي، از لندن ويكلي (هفته نامه لندن) نقل نموده نوشت كه «برنامه اصلاحاتي شاه [امان الله غازي] بعد از مراجعتش از اروپا از نگاه علاقمندی سياسي روسیه بلشویکی در شمال به سرزمینهای هند بریتانوي در جنوب از اهمیت بخصوصی برخوردار میباشد. بنابراین كرنيل لارنس به آشوبی كه خود در افغانستان بذر نموده در همانجا رسیدگی خواهد كرد».

تاریخ نشر این اعلامیه در روزنامه زميندار لاهور

اینكه اعلامیه مورد بحث ما از خود غازي امان الله خان باشد هیچ شكی وجود ندارد. علاوه برین كه تبصره دانشمند گرامی آقای فضل الرحمن فاضل و مضمون جدید نگاهی به رساله "تردید شایعات باطله شاه مخلوع" توسط جناب داکتر صاحب كاظم میتواند بر همه شكها نقطهء پایان بگذارد، و منابع دیگر افغانی چون شادروان میرغلام محمد غبار و محمد علم فیض زاده نویسنده کتاب «جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه ها) و جرگه های نام نهاد تحت تسلط کمونست ها و روس ها» نیز در زمینه تذکراتی داده اند. مثلاً آقای محمد علم فیض زاده در صفحه ۱۴۷ کتابش بعد از ذکر اعلامیه لویه جرگه سال ۱۳۰۹ از مکتوب غازي امان الله خان نیز به جواب اتهامات وارده بر وی یادآوری نموده و مینویسد كه «امان الله خان در سال ۱۹۳۰ م (۱۳۰۹ هـ ش) مکتوبی را در هند بچاپ رسانید و محرمانه آنرا در افغانستان توزیع كرد كه در آن این تهمت كه ثروت زیادی از افغانستان با خود برده و حسابات مخفی در بانک های اروپا باز کرده رد میکرد و نادرخان را به فریب کاری متهم میساخت چنانچه هنگام اغتشاس با او (امان الله خان) اطمینان داده بود كه (ما روی عین مرام كار میکنیم تا او بتواند در احراز سلطنت با وی رقابت كند...)».

اسناد خارجی مانند اسناد استخبارات موجود در آرشیف هند بریتانوي هم به وضاحت تنها نشان میدهند كه این اعلامیه از طرف خود غازي امان الله خان بنشر رسیده است، بلکه تاریخ دقیق نشر اعلامیه غازي امان الله خان در جریده زميندار لاهور را نیز نشان میدهد.

بطور مثال در خلاصه رویداد های افغانستان از اول جولای ۱۹۳۰ تا ۳۰ جون ۱۹۳۱ در اسناد آرشیف هند بریتانوي از اقدامات و تلاش های حکومت هند بریتانوي یاد آوری شده است كه به تعقیب نشر نامه غازي امان الله خان به تاریخ پنجم ماه مارچ ۱۹۳۱ (۱۴ ماه حوت ۱۳۰۹) در جریده زميندار منتشره لاهور صورت گرفته است. نائب السلطنه هند بریتانوي طی صدور یک فرمان مخصوص، انتشار چنین مواد را منع

د پانو شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

قرار داد، و با مقامات دولت افغانستان در جلوگیری از ورود کاپی های آن نشریه و هم پخش تبلیغات برای خنثی کردن آن همکاری نمود.

در تلگرام ۱۵ اپریل مکنوناچی سفیر انگلستان در کابل به آرترهیندرسن Arthur Henderson در دفتر خارجه) که به جواب تلگرام شماره ۳۷ نوشته شده است، سفیر انگلستان در کابل از اقدامات غیر مترقبه غازی امان الله خان بیم داشته، خواهان مراقبت شدید وی بوده برای توجیه دلایل آتی را ذکر نموده مینویسد:

- وی قادر است از جان گذشته مثل [جنگ] سال ۱۹۱۹ [خطر بزرگ را قبول نموده] دست به قمار بزند.
 - بنظر نادرشاه، اگر وی به سرحد هند برسد، چانسش بسیار هم بد نخواهد بود، رجوع شود به ارسال شماره ۲۳ تا ۹ سپتمبر من.
 - مثل سال ۱۹۱۹، در حالت فعلی هم خبررسانان برایش راجع به احساسات قبایل به نفع وی و تأثیرات پروپاگند لاهور راپور های مبالغه آمیز میفرستند. [اشاره وی به نشر نامه غازی امان الله خان در جریده زمیندار لاهور است که قبلاً به آن اشاره شده است-زمانی].
 - فقر شاید او را بیشتر به ماجراجویی آماده سازد، تا ازین حالت برآمده، و ممکن از منابع روسی برایش پول داده شود.
 - اقدامات حکومت ایتالیا و علاقه به پنهانکاری خودش، مشکوک بنظر میرسند، خصوصاً با در نظر داشت راپور دریافت شده تاریخ ۱۲ ماه مارچ توسط حکومت هند که در آن در رابطه با امان الله توافقی سری بین ایتالیا و روسیه، و توطئه روسیه در ایالت سرحدی شمال غربی به نفع امان الله ذکر شده است.
 - تلگرام مؤرخ ۴ اپریل کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، معتقد است که جنبش سرخپوشان عبدالغفار [خان] با قضیه امان الله ارتباط نزدیک دارد.
 - این واقعیت که امان الله همین حالا با پاسپورت دارای نام مستعار سفر میکند، تبدیل آن و ناپدید شدنش را آسان میسازد.
- در روشنی [نکات] فوق، من تدابیر احتیاطی ذیل را سفارش میکنم:
- I. برای جلوگیری از ناپدید شدنش، مراقبت شدید وی در حجاز
 - II. و اگر وی ناپدید شود، بررسی کردن دقیق حجاجی که از حجاز بطرف شرق سفر میکنند.
- این سند و اسناد متعدد دیگر مثل چند سند محرمانه از آرشیف دفتر هند بریتانوی در رابطه با اقدامات انگلیس ها در دوران شرکت غازی امان الله خان در مراسم حج اولش که بین اندریوریان Andrew Ryan سفیر بریتانیا در جده عربستان سعودی، پیرسی لوراین Percy Loraine کمشنر

د پانو شمیره: له 5 تر 9

افغان جرمن آنلین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

عالی بریتانیا در قاهره مصر، مکنوناچی Richard Roy Maconachie وزیر مختار انگلیس در کابل، رابرت گراهام Robert Graham سفیر انگلیس در ایتالیا، آرتر هیندرسن Arthur Henderson از دفتر خارجه، نائب السطنه هند بریتانوی در دهلی جدید و وزیر دولت برای امور هند بریتانوی ردوبدل شده اند، نه تنها عمق ترس و بیم مقامات انگلیسی از فعالیت های غازی امان الله خان و بکار انداختن دستگاہ وسیع و عریض آنها برای جلوگیری از برگشت وی به منطقه و افغانستان را نشان میدهد، بلکه چشم آنعده از هموطنان مانرا نیز باز خواهد کرد که فکر میکنند قهرمان آزادی افغانستان، غازی امان الله خان، بعد از پناهندگی در ایتالیا قهرمانی و یاران جان برکف خویش را فراموش کرد، در برابر استبداد دوره های بعدی سکوت کرد، در برابر کشتار هواداران و یارانش بی تفاوت ماند، و از مصاحبه با خبرنگاران فرار کرد. این اسناد گفتار بی هندیه دافغانستان، دختر غازی امان الله خان، راهم که میگوید، خانواده اش در تبعید با مشکلات شدید اقتصادی دچار بوده است، تأیید نموده، علت تقاضای عواید دارائی شخصی ملکه ثریا را از رژیم بعدی روشن ساخته، و متهم نمودن غازی امان الله خان به بزدلی و سازش با انگلیس ها را رد میکند. (برای معلومات بیشتر به صفحات ۴۹۲ تا ۵۰۳ کتاب بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس از همین قلم مراجعه کنید).

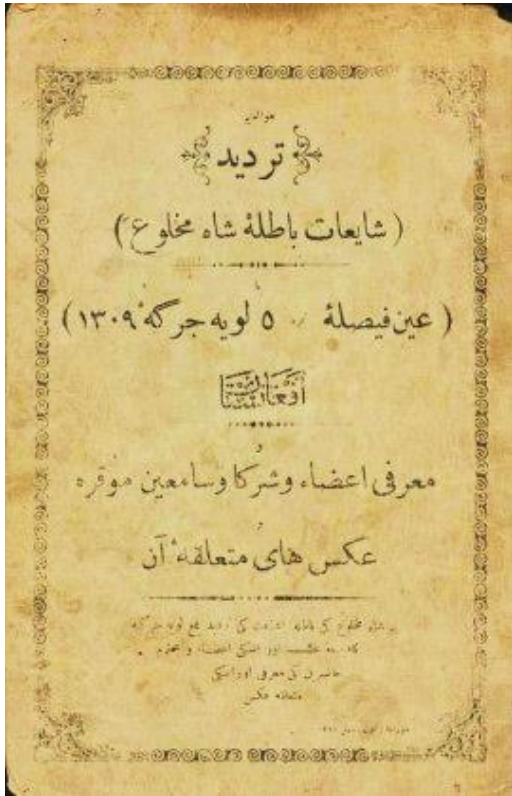
آیا ترجمه دوباره اعلامیه از اردو به دری توسط شادروان محمد ابراهیم صفا با دقت صورت گرفته است؟

قبلا از جزوه تبلیغاتی «تردید شایعات باطله شاه مخلوع» ذکر بعمل آمد. این جزوه یا رساله طوریکه از نامش پیدا است، به جواب اعلامیه غازی امان الله خان توسط سردار فیض محمد خان ذکریا، عموزاده محمد نادر شاه نوشته شده است. شخصی که در زمان سلطنت غازی امان الله خان در مقام های بالا قرار داشت و شاه را بنام "امان الله کبیر" و سپس حبیب الله کلکانی را نیز به عین نام خطاب میکرد و به گفته داکتر صاحب کاظم بدون ذکر اسمش، در دوره سلطنت محمد نادر شاه واضح است که به حیث یکی از منسوبان خانواده سلطنتی در مقامهای وزارت و سفارت تا سالهای سال خدمت میکرد.

قابل یادآوریست که اسم این رساله عمدا طوری گذاشته شده که خواننده را فریب داده و گمان کند که گویا این رساله "تردید شایعات باطله شاه مخلوع، عین فیصله نمره 5 لویه جرکه 1309" (به زبان های فارسی در طرف راست و ترجمه آن به زبان اردو در سمت چپ) گویا در لویه جرگه سال 1309 عهد محمد نادر شاه، توسط وکلای اشتراک کننده به رد شایعات غازی امان الله خان انتشار یافته باشد. اما در حقیقت اینطور نیست. این رساله در چند قسمت تهیه شده است:

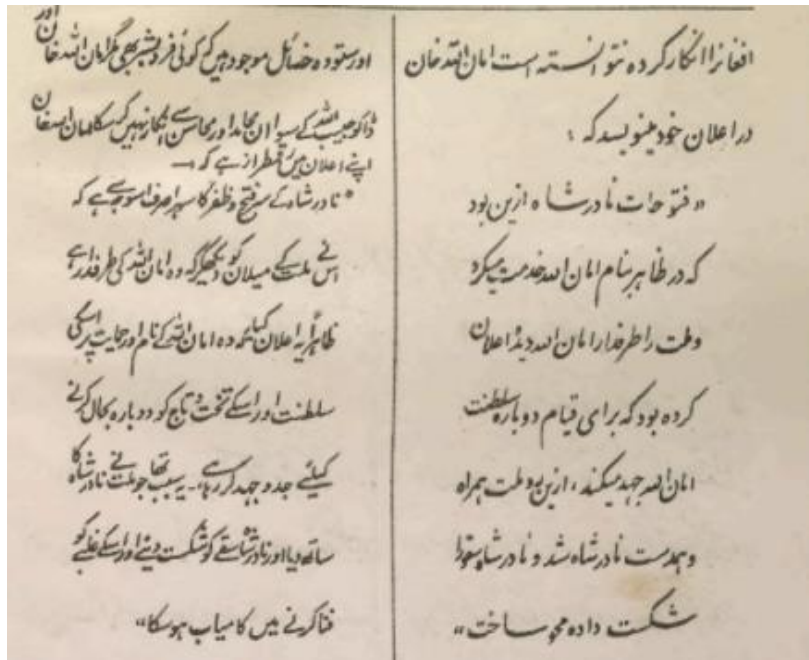
د پانو شمیره: له 6 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په خير و لولئ



- قسمت اول: تردید شایعات باطله شاه مخلوع به قلم آقای فیض محمد خان ذکری
- قسمت دوم: عین فیصله ۵ لویه جرگه ۱۳۰۹ که عبارتست از فیصله پنجم لویه جرگه
- قسمت سوم: معرفی اعضاء و شرکا و سامعین و عکس های متعلقه آن
- عکس العمل شدید حکومت محمد نادر شاه به مقابل اعلامیه غازی امان الله خان درین رساله تبلیغاتی «تردید شایعات باطله شاه مخلوع» خود تنها میتواند دلیل مهم دیگری مبنی بر درست بودن اعلامیه غازی امان الله خان باشد، بلکه مقایسه نکات عمده اش به دو زبان دری و اردو بر ترجمه درست آن از لسان اردو به دری توسط شادروان محمد ابراهیم صفا صحه میگذارد. به چند نمونه آن توجه نموده و خود قضاوت کنید:

مقایسه نکات مهم



د پانو شمیره: له 7 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له البيرلو مخکي په خير و لولئ

<p>امان اللہ کہتا ہے :- ”چونکہ نادر شاہ نے وعدہ کیا تھا کہ زودہ خود اور نہ ہی اسکا خاندان یا درشاہی کی</p>	<p>امان اللہ کہتا ہے :- ”بنا پر اینکه نادر شاہ وعدہ فرمود بود کہ نہ خود نہ خاندان نادری را زود</p>
--	--

<p>خواہش رکھتا ہے تب ملت نے نادر شاہ کی امداد پر کمر باندھی اور اس کے حکم سے ستنے کے تھ لڑائی شروع کر دی، لیکن آخر کار نادر شاہ نے اپنے وعدے کو وفا نہ کیا“</p>	<p>سلطنت دارند، ملت بآدرشاہ امداد کرد و بہ امر او باستقود دخل محاش شد باآخر نادر شاہ وعدہ خود را ایفا نکرد“</p>
--	--

<p>امان اللہ کہتا ہے :- ”نادر شاہ حکم میں امن قائم نہیں کر سکتا کیونکہ اس نے ملت کے ساتھ وعدہ کیا تھا کہ میں امان اللہ کے لئے خدمت کر رہا ہوں“</p>	<p>امان اللہ کہتا ہے :- ”نادر شاہ امنیت را قائم کردہ نمیتواند، چرا کہ بملت وعدہ داده بود کہ برای امان اللہ خدمت سے کند؟“</p>
--	--

<p>امان اللہ کہتا ہے :- ”نادر شاہ نے بڑے بڑے جلیل القدر عہدوں پر اپنے بھائیوں اور اسے اقربا کو متقرر کر رکھا ہے اور ملت کے دوسرے افراد کے لئے چراسی گری کے سوا کوئی بڑا منصب باقی نہیں رہا“</p>	<p>امان اللہ کہتا ہے :- ”نادر شاہ تمام امور بزرگ را بہ برادران و اقربا سے خود بخود کردہ است و دیگران هیچ یک منصب علی نماندہ بجز چراسی گری“</p>
--	--

د پانو شمیرہ: لہ 8 تر 9

افغان جرمن آن لائن پہ درنبت تاسو همکاری ته را بولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلپکني د لپکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په خير و لولئ

<p>امان اللہ کہتا ہے :-</p> <p>”میں نے علمائی نسبت کبھی کبھی نہیں کہا مگر علمائی سوسائٹی میں بھی بدگونی نہیں کی۔ صرف ان ملاؤں کو برا کہا ہے جنہوں میں کسی کی بیٹی ٹھوکنی اور مجھ کو کافر کہا“</p>	<p>امان اللہ سیگوید:</p> <p>”من علماء را هیچ گفتم ام حتی در حق علمای سواد هم بدگونی نکردم صرف ملائی که سفور تقویت دمر اکافر گفتم اند بدگفتم ام“</p>
---	---

<p>امان اللہ کہتا ہے :-</p> <p>”میں قلعہ قاضی کے حضرت مستطاب شاہ آقا کا مرید تھا“</p>	<p>امان اللہ سیگوید:</p> <p>”من مرید حضرت مستطاب شاہ آقائی قلعہ قاضی بودم“</p>
---	--

<p>امان اللہ کہتا ہے :-</p> <p>”سیری ذات پر عیاشی کا لفظ عائد کرنا صحیح ظلم اور عظیم بہتان ہے، میں اپنی گذران کے لئے بیت المال سے ایک جیب بھی نہیں لیتا تھا۔ وزارت مال نے میرے گزارے کے لئے یہ تجویزی کہ عین المال کی باقی ماندہ زمینوں اور عمارتوں کو دولت خریدے اور انکے بدلے بعض کارخانے کو جدوالت کے کام کے نہیں تھے مجھے ہر کوسے میں اس تجویز کو قبول کر لیا“</p>	<p>امان اللہ سیگوید:</p> <p>”لفظ عیاشی نسبت میں ظلم و بہتان است و ہم از بیت المال برای گذران خود چیزی نیگفتم وزارت مالید برای گذران من تجویز کرد کہ بقید زمین های عین المال و عمارات آنرا برای دولت بخردند و بعض آن بعض فابریکے مانے کہ پلانڈن آن کار دولت بود من بدین تجویز را قبول کر لیا“</p>
--	--

(پایان)

د پانو شمیرہ: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ